

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

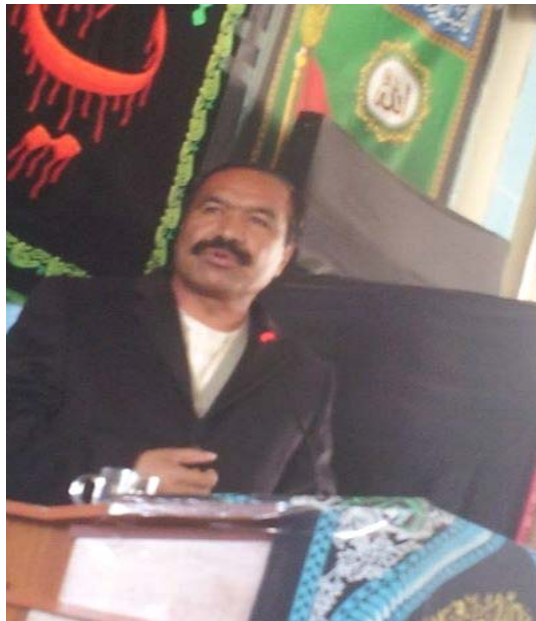
Political

سیاسی

آتش – از بامیان
۲۲ فبروری ۲۰۱۴

خلقی ها حق مداخله در سرنوشت مردم را ندارند

به تاریخ ۱۳۹۲/۷/۲۷ «غلام علی وحدت» که قبلاً به حیث معین تأمینانی وزارت داخله دولت پوشالی کرزی ایفای وظیفه می نمود همراه با عبدالمتین بیگ معین مالی و اداری ، زلمی زابلی رئیس کمیسیون سمع شکایات ولسی جرگه و چند سناتور بامیان به خاطر معرفی والی جدید به بامیان آمده بودند. در این روز ادارات دولتی، عده ای از شاگردان مکاتب ، محصلان از ساعت هشت و نیم الی ساعت ده و نیم در میدان هوایی به خاطر استقبال از والی جدید منتظر ماندند و بالاخره والی جدید با کش و فش همراه با افراد فوق الذکر از طیاره پائین شد و مراسم معرفی والی جدید در جمنایوم برگزار شد. این بود خلاصه داستان والی جدید بامیان



اما خوب است کمی هم با شخص والی آشنا شده و گذشته اش را بدانید.

غلام علی «وحدت» از ولسوالی یکاولنگ بامیان است در زمان حکومت خلقی ها از خلقی های سرشناس منطقه به شمار می رفت ، میر ایلخانی پدر کلان غلام علی وحدت که از فیودالان منطقه بود جنایات زیادی در حق مردم و دهقانانش انجام داده است داستانهائی است که میر ایلخانی در اول بهار که دریای یکاولنگ بسیار خروشان و به قول مردم «سرخ آب» بوده میر ایلخانی بالای شانه های دهقانان سوار می شده و آنان را به ضرب قمچین مجبور می کرده

که از « سرخ آب» او را بگذرانند. به همین خاطر خواهر و برادر این خلقی که نامشان صفورا و رزاق است «ایلخانی» تخلص می کنند که این را می رساند خون «ایلخانی» در رگ های نوه هایش جریان داشته و نوه هایش به پدر کلان شان افتخار می کند!!

این آقای خلقی «وحدت» که غیر از یک جوهره بروت (نشان خلقی گری اش) چیز دیگری از انسانیت نمی شناسد مدت زیادی برای حکومت خلقی ها جان کنی کرد و بالاخره که حکومت خلقی ها توسط بازوان پرتوان مردم افغانستان شکست خورد «وحدت» نیز لباس سازمان نصر پوشیده و برای سازمان نصر جانکنی را شروع کرد بعد از این که رژیم جنایت کار طالب تمام تنظیم های جهادی و وطن فروش «شرو فساد» اعم از نصر، سپاه و حرکت ... را دواند و یکاوانگ به دست طالبان افتاد «وحدت» از طرف رژیم طالبان قوماندان امنیه یکاوانگ مقرر شد و مدتی با ریش و لنگی گذراند و داد از شریعت غرای محمدی!! زد، این موضوع به خوبی می رساند که خلقی ها هرگز به فکر خدمت به وطن نبوده و شعار های به اصطلاح «سرخ» شان فقط برای فریب توده ها بوده و به خاطر رسیدن به کوچکترین مقام و به دست آوردن چند قرانی با هر خونریزی «مانند رژیم طالب» جور آمد می توانند تا مادر وطن را دو دسته تقدیم شان کنند.

بعد از حادثه یازدهم سپتمبر که پای اشغالگران امریکائی و ناتوی در افغانستان باز شد، دوباره بخت با «وحدت» یار شد و با چسپیدن به نجاست خلیلی توانست درین دولت پوشالی و دست نشانده در پست هائی چون قومندان امنیه بامیان، قومندان قندهار، معین تأمیناتی وزارت داخله مقرر و از این طریق پول های زیادی را تحت الجیب زده و تنها در قریه اش تکیه خانه ای با هزینه ۲۰۰ هزار دالر بسازد و درین اواخر هم والی بامیان شد و با ریش و لنگی و شپش فروشی وداع کرده یک شبه دموکرات و مدافع حقوق بشر گردید!!

خلقی ها که روزی از کور، کالی و دودی حرف می زدند و «سور خلکی» بودند و برای رفیق تره کی هورا می کشیدند با آمدن چیه گرمکی بدون هیچ گونه باور به اندیشه های منحرف شان دست به دامن دین و مذهب زدند و مسجد و تکیه خانه ساختند و پنج وقت نماز شان هرگز قضاء نشد و عده ای افتخار رفتن به بیت الله شریف را نیز پیدا کردند!! در زمانی که «وحدت» قومندان قندهار بود برادرش رزاق هم در وزارت داخله به صفت صاحب منصب به شکل فراشوتی مقرر شد و حتی پیش از آمدن «وحدت» به بامیان نیز قومندان امنیه این ولایت بود، خواهرش صفورا ایلخانی که از بیکاره ترین و بی سواد ترین وکلای پارلمان ارتجاعی است در این زمان در پارلمان راه پیدا کرد داستانهائی نیز در مورد این وکیل بی عقل است که وقتی این وکیل برای بار دوم به ولسوالی یکاوانگ برای کمپاین آمده بود برای مردم گفته بود: «مه اگر وکیل شدم تمام پاشه های تاله را گوم مو کونم تا مردم ره نیش نزنه» یعنی (من اگر وکیل شدم تمام پشه های منطقه را گم می کنم تا مردم را نیش نزنند.)

آقای «وحدت» درین اواخر همراه با جمعی از رؤسای ادارات دولتی بامیان به ولسوالی یکاوانگ به خاطر کمپاین و نشان دادن قدرت به حریفان (از جمله بچه های بابا علی یار) و بازدید از ولسوالی با کش و فش تمام رفته بود و به خاطر خاک زنی به چشم مردم به ولسوال دستور داده بود تا برای او و همراهانش تنها قورمه کچالو پخته کند!! و برای همراهانش گفته بود که من می خواهم تحول و تغییر ایجاد کنم بله خورشید تغییر و تحول و خدمت به مردم از خانه یک خلقی طلوع کرده است!! بدا به حال بامیانی های عزیز که والی ولایت شان یک خلقی تمام عیار وطن فروش است.

این خلقی جنایت کار که روزی دو دسته بامیان را همراه دیگر همپاله هایش زیر چکمه های سوسیال امپریالیزم روس لگد مال کرد حال می خواهد با خوردن قورمه کچالو آبادش کند!! «بعد از باد چهار زانو» و در هر محفل و مجلسی داد از تغییر و پیشرفت می زند. بس است آقای خلقی ما خدمت شما را در زمان نوچه های به دوران رسیده و همفکران منحرف تان دیده ایم. لذا بامیان به خدمت و تغییر جنایت کارانی چون تو ضرورت ندارد مردم بامیان هر روز پیش از

پیش به آگاهی سیاسی بالاتری دست پیدا کرده و این را به خوبی درک می کنند تا سر نوشت شان را خود شان تغییر ندهند هیچ خلقی جنایت کار ، هیچ نصری جنایتکار ، هیچ حرکتی جنایتکار و طالب خونریز تغییر داده نمی تواند این را در گوش هایت فرو کن و از این اکت و اداهای خلق گری ات نکن که برای خودت جز آبرو ریزی چیزی دیگری ندارد. در زمان جنگ های داخلی این خلقی جنایت پیشه در کنار سازمان جنایت کار نصر و ایستاد و در سگ جنگی بین حزب جنایتکار حرکت و حزب خونریز وحدت و جمعیت تا جایی که توانست مردم را درد و رنج داد و خون توده های زحمتکش و روشنفکران را ریخت. شاید عده ای از خوانندگان عزیز بگویند که آقای «وحدت» در حزب خلق تنها یک فرد بوده!!

بودن در حزب خلق جرم است ، بودن و عضویت داشتن در حزب جنایت کار حرکت جرم است ، عضویت داشتن در سازمان نصر جرم است چون این احزاب هشتگانه ایرانی و هفتگانه پشاوروی تا مغز استخوان وابسته به بیگانگان از هیچ جنایتی در حق مردم دریغ نکردند، جنایت افشار که توسط شوی نظار و حزب وحدت و حرکت انجام شد را هرگز تاریخ فراموش نمی کند ، جنایت و قتل عام یکاوانگ را که به وسیله سگان هار طالب و سازمان خونریز نصر انجام شد هرگز از ذهن کسی فراموش نمی شود.

آقای «وحدت» با این اکت و اداهای نمی توانی در دل مردم راه باز نموده و تغییری در زندگی دوزخ آسای مردم ایجاد کنی! برای این کار اول باید از گذشته ننگین خلقی بودن ، نصری بودن ، طالب بودن و حال از دموکرات بودن انتقاد و از توده های زحمت کش بامیان معذرت خواهی کنی، بعدا به این چوکی و مقام فعلی که از طرف این حکومت پوشالی دریافت کرده ای تف نموده و در کنار مردم زجر دیده خود بایستی ، آنوقت قورمه کچالو خوردنت را مردم باور می کنند هر وقتی که در کنار مردم بودی و برای مردم آگاهی دادی و ماهیت این رژیم استعماری را افشاء ساختی وگفتی که استعمار بدتر از استبداد عمل می کند استعمار همه چیز را لگد مال می کند در رژیم های استعماری هیچ چیز جز سود هیچ ارزشی ندارد آنوقت می شود به حرف ها و اکت هایت کمی باور کرد تا زمانی که کشور تحت اشغال بیگانگان باشد هیچ تغییری در زندگی مردم ایجاد نمی شود تا زمانی که این رژیم فعلی با تمام پیچ و مهره هایش نابود نشود و به جای آن نظام مردمی جای گزین نشود توده های زحمتکش بامیانی و مانند تمام مردم افغانستان روی خوشی را نخواهند دید این را علم رهائی بشریت بارها به اثبات رسانیده است که تا زمانی که استعمار وجود دارد هیچ کس روی خوش را نخواهد دید.

و در آخر آقای خلقی

به هر رنگی که خواهی جامه می پوش

من از طرز خرامت می شناسم

آتش